**جلسه 51-163**

**سه‌شنبه - 19/10/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در مسأله 6 بود که صاحب عروه فرمود اذا حصر القبلة فی جهتین بان علم انها لاتخرج عن احداهما وجب علیه تکرار الصلاة الا اذا کانت احداهما مظنونة و الاخری موهومة فیکتفی بالاولی و اذا حصر فیهما ظنا فکذلک یکرر فیهما لکن الاحوط اجراء حکم المتحیر علیه بتکرارها الی اربع جهات.

در این مسأله دو فرع ذکر شد: فرع اول این بود که علم دارد وجدانا به انحصار قبله در دو جهت. که ما خلاصه عرض‌مان این بود که تارة می‌‌داند که قبله منحصر است در دو نقطه معینه. خب شکی نیست که اگر دو نماز بخواند یکی به این نقطه یکی به آن نقطه دوم مجزی است. و اما اگر قبله مردد بشود بین تمام نقاط دو جهت یعنی این نود درجه جهت اولی و نود درجه جهت ثانیه همه این درجاتش و نقاطش محتمل است که قبله باشد، هر جهتی را که حساب کنیم نود درجه دارد هر درجه‌ای از آن ممکن است جهت قبله باشد‌، این‌طور نیست که بگوییم یا قبله این نقطه است که روبروی من است یا این نقطه است که در دست راست من است، ‌در این صورت هم صاحب عروه فرموده که دو نماز بخواند کافی است. البته فرض در هر دو جا این است که هیچکدام مظنون نیست.

مرحوم آقای حکیم در مستمسک در این فرضی که قبله مردد باشد بین تمام نقاط دو جهت فرموده که ممکن است کسی اشکال بکند به اکتفاء به دو نماز چون دلیل نداریم بر آن. اگر مردد باشد قبله بین دو نقطه خب امتثال اجمالی وجدانی محقق می‌‌شود، به این نقطه یک نماز می‌‌خوانم به آن نقطه دوم هم که دست راستم هست نماز دوم را می‌‌خوانم‌، یک نماز صبح به این نقطه یک نماز صبح را بنه آن نقطه دوم، ‌امتثال اجمالی محقق می‌‌شود. اما اگر قبله مردد است بین نقاط مختلفه این دو جهت شاید قبله نه آن نقطه اول است نه آن نقطه دوم؛ مثلا قبله در زاویه این دو نقطه است که چهل و پنج درجه با هر دو نماز اختلاف پیدا می‌‌کند. دلیلی که آمد گفت یصلی لاربع جهات راجع به کسی بود به هیچوجه جهت قبله را نمی‌داند‌، فرض این است که ما در این جا می‌‌دانیم فی الجملة جهت قبله را، می‌‌دانیم که پشت سر ما یا دست چپ ما آن دو جهت قبله نیست، ‌روایت که نداریم باید رجوع کنیم به قاعده، مقتضای قاعده این است که آنقدر نماز را تکرار کنیم که یقین کنیم یا به سمت قبله خواندیم یا انحراف‌مان از قبله آنقدر کم است که در حال جهل مغتفر است.

بعد ایشان فرموده و لکن بعید نیست ما از آن روایت یصلی لاربع جهات استفاده این را بکنیم که نماز خواندن به هر جهتی که احتمال می‌‌دهیم قبله در آن جهت باشد مجزی است و لو مردد باشد قبله در نقاط آن جهت. یصلی لاربع جهات یعنی جاهل به قبله به آن جهتی نماز بخواند که اجمالا یا تفصیلا بداند قبله در آن جهت هست و لو دقیقا نمازش به آن نقطه قبله معلوم نیست باشد. حالا اگر تحیر مطلق است فرمود چهار نماز بخوانید، اگر تحیر نسبی است، ‌در دو جهت متحیر است دو نماز می‌‌خوانیم، ‌اگر در یک جهت ما قبله را منحصر کنیم ولی این یک جهت نود درجه است، ‌قبله کدام نقطه این جهت است ندانیم یک نماز می‌‌خوانیم.

که البته این انصافا مطلب عرفی است. اگر ما مسلک مشهور را قبول کردیم، مرسله خراش را پذیرفتیم که یصلی لاربع جهات این فرمایش اخیر آقای حکیم عرفی است که بعید نیست عرف این گونه بفهمد که در حال جهل سخت‌گیری نشده که اگر شما بفهمی قبله در این جهت است به همین جهت نماز بخوان و لو دقیقا ندانی به همان نقطه قبله هستی.

[سؤال: ... جواب:] فرق نمی‌کند. دیگه در همین نقطه‌ای که نماز می‌‌خوانی احتمال می‌‌دهی قبله است. این‌که در این جهت دو نماز بخوانی، نه این لازم نیست. هر جهت یک نماز.

اما مشکل ما این است که مرسله خراش ضعیف السند بود، ‌اعتباری به آن نبود. وقتی اعتباری به آن نبود ما باید رجوع کنیم به قاعده. مثلا آقای خوئی که مرسله خراش را قبول ندارند، ‌خب باید رجوع کنند به مقتضای قاعده. و لذا مقتضای قاعده باید ببینیم چیه؟ کسانی که قائلند که یجزی المتحیر اینما توجه مختص است به متحیر مطلق مثل این‌که ظاهر آقای خوئی بود، ظاهر آقای تبریزی بود، ‌ظاهر آقای سیستانی هست، ‌این‌ها نمی‌شوند اینجا بفرمایند که بله، نظر صاحب عروه درست است، دو نماز بخواند یکی به این جهت یکی به آن جهت دوم. چرا؟ اگر مردد است قبله بین دو نقطه حرفی نیست، ‌اگر قبله مردد باشد بین تمام نقاط دو جهت، ‌این جهت نود درجه دارد، آن جهت دوم هم نود درجه دارد، چه جوری من دو نماز بخوانم به آن اکتفاء‌کنم‌، آقای خوئی بفرمایند که مقتضای منجزیت علم اجمالی تکرار نماز است، ‌بله، مقتضای منجزیت علم اجمالی تکرار نماز است اما نه به دو جهت که صاحب عروه گفت، بیشتر، باید بیشتر تکرار کنم تا به نظر شما یقین کنم انحراف اگر دارم از قبله از بیست و شش درجه بیشتر نیست. خب من که نمی‌دانم قبله روبرو هست یا دست راست می‌‌شود دو تا جهت، دو تا جهت ‌فرض این است دو نقطه نیست، ‌دو جهت است که هر جهتی نود درجه است، ترددت القبلة بین الجهتین نه بین النقطتین، ‌بین الجهتین هر جهتی یک چهارم دائره است، نود درجه است، ‌پس قبله مردد است بین صد و هشتاد درجه خب من بیایم یک نماز بخوانم این کافی است؟ چطور کافی است؟

این در صورتی است که شما یجزی المتحیر اینما توجه را قبول نکنید. اما اگر بیایید بگویید یجزی المتحیر اطلاق دارد شامل متحیر نسبی هم می‌‌شود که ما بعید نمی‌دانیم این را و لو قابل بحث هست این مطلب اما عرض خواهیم کرد که این بعید نیست، بله، بناء بر این مبنا دیگه نیاز به تکرار نماز نیست. یک نماز می‌‌خوانیم به یکی از این نقطه‌های محتمل القبلة.

این بحث را توضیح بدهم:

یجزی المتحیر اینما توجه ظاهر آقایان این است که متحیر مطلق است چون می‌‌گوید اینما توجه، ‌معلوم می‌‌شود این متحیر محض است. ولی ما عرض کردیم عرفا من اگر بدانم که یک جهتی قبله نیست، مردد است قبله بین یکی از سه جهت دیگر یا یکی از دو جهت دیگر، به من عرف می‌‌گوید متحیر. من می‌‌دانم جاده تهران از این سه اتوبان، ‌اتوبانی که می‌‌رود به سمت کاشان نیست، اما نمی‌دانم آن اتوبانی است که می‌‌رود به سمت راست یا می‌‌رود به سمت چپ، خب به من نمی‌گونید متحیر؟‌ متحیرم دیگه. می‌‌ماند اینما توجه: اینما توجه هم ظاهرش این است که اینما توجه فی ما یتحیر نه توجه الی غیر ما یتحیر.

مؤید این عرض ما این است که خیلی مستبعد است که من اگر هیچ علمی، ‌ظنی ندارم به من می‌‌گویند یک نماز بخوان. [اما اگر] یک آقایی آمد گفتیم بلکه به ما یک خدمتی کند چون تحصیل علم لازم است، ‌تحصیل ظن اقوی هم لازم است از او بپرسیم، گفتیم آقا!‌ ببخشید! برادر!‌ قبله کدام سمت است؟ گفت من نمی‌دانم قبله کدام سمت است ولی می‌‌دانم قبله این سمت نیست، ‌یک سمت را نشان داد گفت قبله این سمت نیست. طبق نظر مرحوم آقای خوئی، مرحوم استاد، آقای سیستانی، ‌بیچاره کرده ما را این آقا، ‌برای این‌که این آقا اگر حرف نمی‌زد بهتر بود، می‌‌گفت نمی‌دانم، ‌ما متحیر بودیم یک نماز می‌‌خواندیم‌، یجزی المتحیر اینما توجه. حالا دانستن سلبی که می‌‌دانم قبله این جهت نیست، کار را برای ما سخت کرد، دیگه یجزی المتحیر به نظر آقایان شامل ما نمی‌شود، ‌آن وقت ما باید احتیاط بکنیم. ‌احتیاط هم که می‌‌خواهیم بکنیم، ‌مشهور می‌‌گویند که سه تا نماز بخوان به آن سه جهت دیگر، آقای خوئی طبق نظرشان می‌‌فرمایند نخیر، ‌باید آنقدر نماز بخوانی که بدانی نمازی خواندی که از قبله بیست و شش درجه بیشتر انحراف نداری.

[سؤال: ... جواب:] بیست و شش ایشان می‌‌گوید. بیست و شش فما فوق. حداکثر بیست و شش درجه انحراف نداشته باشی چون ما بین المشرق و المغرب قبلة‌ را ایشان قطعی نمی‌گوید که شامل جاهل ملتفت می‌‌شود، ‌ظاهرش بعید نیست که شامل جاهل ملتفت نمی‌شود. من هم که جاهل ملتفتم، ‌جاهل مترددم.

این مستبعد است عرفا. و لکن فی النفس شیء و لاینبغی ترک الاحتیاط.

[سؤال: ... جواب:] بالاتر بگویم: یک نقطه را گفت ببیین! این لامپ را می‌‌بینی؟ قبله روبروی این لامپ نیست یقینا، این را یادم است، سفر قبلی که با مرحوم پدرم آمدم اینجا، ‌پدرم گفت این لامپ، مواظب باش این روبروی قبله نیست، چیز دیگری یادم نیست. می‌‌گوییم نمی‌شد حرف نزنی ساکت بشوی ما یک نماز بخوانیم؟ حالا با این صحبت تو که متحیر شامل متحیر نسبی به نظر آقایان نمی‌شود من باید احتیاط بکنم، ‌حدودا شش نماز آقای خوئی پیشنهاد می‌‌کند، شش نماز بخوانم، ‌شش تا ظهر شش تا عصر، بعدش هم می‌‌گویم خدایا! هدایت کن افرادی که ما را به دردسر می‌‌اندازند. من عرضم این است که این بعید است عرفا و لکن اگر می‌‌خواهید قسم بخورم که یجزی المتحیر اینما توجه شامل متحیر نسبی می‌‌شود، واقعش این است که قسم نمی‌توانم بخورم چون این اینما توجه دغدغه ایجاد می‌‌کند. اگر یجزی المتحیر بود حرفی نبود. یجزی المتحیر اینما توجه ممکن است بگوییم این اینما توجه معنایش این است که هیچ نمی‌داند و لکن لایبعد که متحیر نسبی را هم این شامل بشود.

[سؤال: ... جواب:] الغاء خصوصیت مشکل است. اگر اطلاق نداشت الغاء خصوصیت مشکل است. چون یک مقدار جهات احتمال کمتر می‌‌شود، ‌شارع می‌‌گوید جهات احتمال کمتر است احتیاط کن. تحیر مطلق فاینما تولوا فثم وجه الله، اما تحیر نسبی، احتیاط کمتر است خب احتیاط کنم.

ضمنا عرض کنم مرحوم محقق نراقی در مستند الشیعة یک مطلب عجیبی دارد. فرموده اگر بدانی قبله در این جهت نیست باز هم باید چهار تا نماز بخوانی چون روایت اطلاق دارد. روایت می‌‌گوید اذا کان کذلک فلیصل لاربع وجوه. آن روایت مرسله خراش است که می‌‌گوید مخالفان ما می‌‌گویند انتم و نحن فی الاجتهاد سواء اذا لم نعلم این وجه القبلة بعد امام می‌‌فرمایند نخیر، وقتی این‌طور باشد، ‌فلیصل لاربع وجوه. در مستند الشیعة‌ فرموده که استظهار ما این است که باید به چهار سمت نماز بخواند. خیلی عجیب است:‌ من که می‌‌دانم این دو سمت قبله نیست برای چی به این دو سمت نماز بخوانم؟

احتمال دارد که اشتباه شده. در آن دو سمت محتمل چهار تا نماز بخوانم. یعنی چهار تا نمازش محدود می‌‌شود به آن دو جهت محتمل چون اطلاق روایت می‌‌گوید یصلی لاربع وجوه.

و لکن یصلی لاربع وجوه یعنی لاربع جهات، ‌جهات اربعه را می‌‌گوید نه این‌که این دو جهت را چون دو جهت دیگر را می‌‌داند قبله نیست چهار قسم بکند، ‌این خلاف ظاهر است. خب وقتی که یصلی لاربع وجوه شد جهات اربع من آن جهت خلفم و جهت یسارم می‌‌دانم قبله نیست، ‌چه نمازی بخوانم؟!

[سؤال: ... جواب:] آدرس ناقص.‌ می‌‌گویید تهران کجاست؟ جاده اصفهان را نشان می‌‌دهد می‌‌گوید می‌‌دانم این طرف نیست. ‌نصف شب هم هست شما رسیدی سر این دو راهی یا سه راهی کنار میدان هفتاد و دو تن گیر کردید، هیچ علامتی هم نمی‌بینید که به شما بگویند. یکی می‌آید آقا!‌ چرا اینجا ایستادی؟‌ می‌‌گویی متحیرم، نمی‌دانم تهران از کجاست، سه تا جاده است. می‌‌گویند یکی تهران می‌‌رود یکی گرمسار می‌‌رود یکی کاشان می‌‌رود، ‌کجا بروم؟ مانده‌ام. این متحیر است که هست بلااشکال. منتها بحث ما این است که آن قرینه اینما توجه‌اش یک مقدار شبهه ایجاد می‌‌کرد که آن را باید حمل کنیم بر این‌که یجزی المتحیر ان یصلی صلاة‌ واحدة الی ما یتحیر. ... ما هم مخالف که نیستیم که. اگر فی النفس شیء نبود این همه بزرگان خلاف ما نمی‌فرمودند. یک نفر پیدا کنید که موافق باشد با این متحیر نسبی در کلمات، ‌ما خوشحال می‌‌شویم، ما ندیدیم. در این کلمات که دیدیم نبود.

جهت ثانیه این است که ظن پیدا کند که قبله پشت سرش مثلا نیست، طرف چپش نیست، یا روبرو است یا طرف راست مثلا:

آقای حکیم فرموده که من اشکال دارم. اینجا دیگه باید به چهار سمت نماز بخواند. چرا؟ برای این‌که یجزی التحری ظاهرش تحری تفصیلی است نه تحری اجمالی. یجزی التحری یعنی تحری تفصیلی یعنی تحصیل ظن بکنی که قبله روبروی تو است یا قبله دست راست تو است. تو تحصیل ظن کردی که قبله یا دست راستم هست یا روبرویم هست، این حالا دو جهت، ‌اگر سه جهت باشد تحصیل ظن کردی یا دست راستم هست یا روبرویم هست یا دست چپم هست، این‌که تحری نیست. و لذا باید به چهار سمت نماز بخوانی. ایشان می‌‌گوید ظاهر جواهر هم این است.

مرحوم آقای خوئی فرموده که (و مطلب آقای خوئی هم به نظر ما درست است دیروز هم عرض کردیم) ‌تحری اطلاق دارد. چرا شامل تحری اجمالی و تحری نسبی نشود؟ تحری یعنی اخذ به احتمال احری و ارجح. چرا شامل نشود؟ بعید هم نیست فرمایش ایشان درست باشد. یجزی التحری ابدا اذا لم یعلم این وجه القبلة، من تحری کردم فهمیدم قبله پشت سرم نیست، ‌مجزی است. انصافا فرمایش آقای خوئی فرمایش متین است، ‌صاحب عروه هم نظرش همین است.

اما بحث در این است که آن جهتی را که تحری کرد، ‌ظن به عدم القبلة پیدا کرد می‌‌گذارد کنار، بقیه جهاتی که متساوی است احتمال قبله بودنش، چه بکند، ‌همان بحثی قبلی پیش می‌آید که آیا متحیر شامل متحیر نسبی می‌‌شود یا نمی‌شود؟ اگر گفتیم می‌‌شود، ‌یک نماز می‌‌خواند، ‌اگر گفتیم نمی‌شود، ظاهر کلام آقای خوئی این است که دو نماز بخواند به این دو جهت که احتمال قبله‌شان مساوی است اما عرض کردیم این درست نیست.

[سؤال: ... جواب:] حالا بحث انکشاف خلاف بماند. که اگر فهمیدی پشت به قبله بودی یا نود درجه، فرق نمی‌کند، ‌بعدا خواهیم گفت انحراف نود درجه هم اگر بعدا کشف بشود در داخل وقت اعاده دارد، حالا خارج وقت حکمش می‌آید. ... نود درجه یا بیشتر اگر انحراف از قبله کشف شد باید در داخل وقت اعاده کنی. فعلا بحث ما در انکشاف خلاف نیست.

[سؤال: ... جواب:] عرفا به نقطه می‌‌گویند جهت؟ یعنی جهات اربع یعنی نقاط اربع؟ ... اذا حصر القبلة فی جهتین یعنی فی نقطتین؟ ما که این‌جور نمی‌فهمیم. هر جهتی می‌‌گویند نود درجه است، ‌جهات اربع هم مجموعا سیصد و شصت درجه می‌‌شود. ... آقای خوئی فرمود که جوری نماز بخوانید که یا قبله باشد یا بیست و شش درجه از قبله منحرف بیشتر نباشید. چون سبع الدائرة حساب کرد که پیشانی گفت چهار انگشت و همان بحث‌ها که پنجاه و دو درجه می‌‌شود، ‌نصفش به طرف راست، ‌نصفش به طرف چپ، ‌بیست و شش درجه به این طرف راست می‌‌رسد بیست و شش درجه به طرف چپ. ما گفتیم از آن استدبار جدی برای اهل عراق استفاده کردیم که مردم عراق روبروی جنوب قرار می‌‌گیرند با این‌که بیست درجه قبله‌شان به سمت راست منحرف است و امام هیچ کجا نفرمود که انحرف الی الیمین قلیلا و این نشان می‌‌دهد که لازم نیست برای کسانی که قبله را دقیق نمی‌دانند، این قدر متیقن است. برای این گفتیم بیست درجه انحراف برای جاهل اشکالی ندارد و لو جاهل ملتفت.

مسأله 7: اذا اجتهد لصلاة و حصل له الظن لایجب تجدید الاجتهاد لصلاة الاخری ما دام الظن باقیا.

خب روشن است دیگه. اگر ظن پیدا کردی به جهت قبله، ‌نماز ظهر و عصرت را خواندی، ‌شب که شد مغرب و عشاء را می‌‌خوانی. تحری کردی و یجزی التحری.

ولی اگر شک کردی، هو فی کل آنٍ رجل، ‌آن وقت تحصیل ظن کرد، ‌اما الان‌ که اذان مغرب گفتند می‌‌گویند من دیگه آن مقدمات ظن برایم واضح نیست، ‌الان دیگه تحری بقائا موجود نیست. و لذا تحری بقائا لازم است؛ اگر تشکیک کنی در مقدمات ظن سابق باید مجددا تحری بکنی.

[سؤال: ... جواب:] باید بقائا تحری صدق بکند. ... بله، ‌اگر قبلا تحصیل ظن اقوی ممکن نبود چون روز بود ولی الان شب شد، استدبار جدی و علامات در شب بیشتر تحصیل ظن برای انسان می‌‌کند تحری الان به این است که تحصیل ظن اقوی بکنیم. این فرمایش شما هم درست است.

مسأله 8: اذا ظن بعد الاجتهاد انها فی جهة فصل الظهر مثلا الیها ثم تبدل ظنه الی جهة اخری، صاحب عروه می‌‌گوید وجب علیه اتیان العصر الی الجهة الثانیة و هل یجب علیه اعادة‌ الظهر‌ام لا؟ موقع نماز ظهر تحصیل ظن کردی قبله را به جهت الف تشخیص ظنی دادی‌ نماز ظهر خواندی بعد، بعد از نماز ظهر باز هم دست بردار نبودی، شروع کردی بررسی کردن، ‌این دفعه ظن پیدا کردی جهت قبله به جهت ب هست که حداقل نود درجه با جهت الف اختلاف دارد. خب نماز عصرت که معلوم است باید به جهت ب بخوانی، جهت جدید، و هل یجب علیه اعادة الظهر او لا؟ الاقوی وجوبها اذا کان مقتضی ظنه الثانی وقوع الاولی مستدبرا او الی الیمین او الیسار و اذا کان مقتضی وقوعها ما بین الیمین و الیسار لاتجب الاعادة.

صاحب عروه طبق قاعده صحبت کرده، فرموده که اگر انحرافت طبق این تحری جدید، کمتر از نود درجه بوده در نماز ظهر خب ما بین المشرق و المغرب قبلة، ‌نماز ظهرت صحیح واقعی است وسط نماز ظهر هم اگر می‌‌فهمیدی انحراف کمتر از نود درجه را نمازت صحیح بود، ادامه نماز را با جهت جدید تنظیم می‌‌کردی. طبق موثقه عمار این است دیگه، موثقه عمار این را گفت. و اما اگر انحرافت نود درجه یا بالاتر باشد در این صورت نماز ظهر تو طبق این تحری جدید خلاف جهت قبله است.

[سؤال: ... جواب:] مرحوم صاحب عروه می‌‌گوید یجزی التحری اجزاء ظاهری است، حالا تحری جدید خلاف تحری سابق است، تحری جدید حجت است مثل اماره معتبره. بینه آمد گفت قبله به جهت الف است نماز ظهر خواندی، بعد بینه دیگری آمد که اقوی از بینه الف بود، گفت جهت ب جهت قبله است یا علم پیدا کردی، خب این یجزی ظاهرش یجزی ظاهری است نه یجزی واقعی. بیش از این ظهور ندارد.

مرحوم آقای خوئی فرموده که محتملات در یجزی التحری سه تا است:

یکی این‌که بگوییم یجزی التحری اجزاء واقعی است. یجزی التحری واقعا. اصلا نماز ظهر شما با تحری صحیح واقعی می‌‌شود و لو پشت به قبله باشد.

خب اگر را بگوییم که نیاز ندارد اعاده نماز ظهر. ولی این خلاف ظاهر است.

آقای خوئی فرموده چرا خلاف ظاهر است، چون احتمال تعدد قبله با اختلاف حالات مکلف ما نمی‌دهیم، ‌ما احتمال نمی‌دهیم قبله مختلف باشد با اختلاف تحری.

جواب این است که ما احتمال اختلاف قبله را نمی‌دهیم ولی احتمال اجزاء را که می‌‌دهیم. مجزی است تحری و لو بر خلاف قبله نماز بخوانیم. فقط ظهور ندارد یجزی التحری در اجزاء واقعی چون می‌‌گوید اذا لم یعلم این وجه القبلة یجزی التحری، ‌ظاهرش این است که این مثل علم است، ‌چه جور علم مصیب دارد، مخطئ دارد و اگر مخطئ بود بعد نماز را باید اعاده کنی، علم که مقتضی اجزاء‌ نیست، یجزی التحری که هم ظاهرش این است که تحری جایگزین علم می‌‌شود، ‌ظهوری در اجزاء واقعی ندارد. فرمایش متینی است.

احتمال دوم این‌که ما بگوییم یجزی التحری یعنی اماره است تحری. مثل بینه.

خب اگر این را بگوییم، اماره جدیده قائم شده بر خلاف اماره سابقه، اماره سابقه الغاء شد نه تعارض کرد با اماره جدیده. مثل عدول مجتهد است از فتوی سابق. مجتهد اگر عدول بکند از فتوی سابق این فتوایش جدیدش اماره است علم‌آور که نیست اما تعارض نمی‌کند با دلیل حجیت فتوی سابق چون برگشت از آن فتوی. اینجا هم همین است. تحری سابق مات رحمه الله، ‌دیگر اماریت ندارد، ‌تحری جدید اماره است مثل بینه، کشف می‌‌کند که تا الان ‌که تحری به جهت ب، به جهت جدیده است تعلق گرفته کشف می‌‌کند که جهت الف دیگر قبله نیست، وقتی قبله نبود باید نماز ظهرت باید اعاده کنی.

احتمال سوم این است که یجزی التحری موافقت ظنیه است از باب اجتزاء عقلی به موافقت ظنیه. شارع دست از موافقت قطعیه برداشته؛ اکتفاء کرده به موافقت ظنیه. مثل مسلک حکومت در مقدمات انسداد که می‌‌شود موافقت ظنیه بدون این‌که اماره شرعیه باشد.

بناء بر این احتمال سوم دیگه لوازم حجت نیست. ولی گفته می‌‌شود طبق این احتمال سوم هم باید نماز ظهر را اعاده کنیم. چرا؟‌ برای این‌که اگر نماز ظهر را اعاده نکنیم علم تفصیلی پیدا می‌‌کنیم به بطلان نماز عصر. چون یا نماز عصر‌مان بر خلاف جهت قبله است یا اگر نماز عصرمان طبق جهت قبله باشد پس نماز ظهرمان بر خلاف جهت قبله بوده و باطل است و شرط ترتیب بین نماز ظهر و عصر مختل می‌‌شود پس نماز عصر اگر اعاده نکنیم نماز ظهر را علم تفصیلی به بطلانش پیدا می‌‌کنیم. خب نماز ظهر را طبق جهت جدید اعاده می‌‌کنیم بعد نماز عصر را می‌‌خوانیم.

اشکالی که هست این است که آقا!‌ چرا نماز عصر را دوبار نخوانیم؟ مگر ما علم اجمالی نداریم که یا نماز ظهر به آن جهت ب به طرف قبله نبود یا نماز عصر؟ خب علم اجمالی فقط اقتضاء نمی‌کند که نماز ظهر را اعاده کنیم.

مستدل دو مطلب گفت، خوب دقت کنید! یکی گفت علم اجمالی داریم بعد از این‌که تحری کردیم در هنگام نماز عصر، ‌تحری و تحصیل ظن کردیم جهت ب قبله است، علم اجمالی داریم به این‌که یا نماز ظهر‌مان باطل است یا نماز عصر، پس باید نماز ظهر را اعاده کنیم بعد گفت بلکه علم تفصیلی پیدا می‌‌کنیم که اگر نماز ظهر را اعاده نکنیم فقط نماز عصر را بخوانیم روی این جهت دوم نماز عصرمان باطل است. مستشکل که مرحوم آقای خوئی است، به آن علم اجمالی اشکال دارد. می‌‌گوید علم اجمالی درست می‌‌کنید؟! خیال می‌‌کنید علم اجمالی می‌‌گوید فقط نماز ظهر را اعاده کن؟ خب شما علم اجمالی دارید که یا نماز ظهرتان‌ که جهت الف خواندید باطل است یا نماز عصری که به طرف ب می‌‌خوانید باطل است، ‌فقط نماز ظهر را اعاده کنم؟! خب باید نماز عصر را هم اعاده کنم چون علم اجمالی منجز است نسبت به هر دو طرف.

[سؤال: ... جواب:] همینی که می‌‌خواهید بخوانید، می‌‌خوانید یا نمی‌خوانید، ‌بالاخره نماز عصر را می‌‌خواهید روی جهت بخوانید یا نه، حالا که می‌‌خواهید روی جهت ب بخوانید یک وقت می‌‌گویید علم تفصیلی داریم اگر نماز ظهر را اعاده نکنیم نماز عصر باطل است، ‌حرفی نداریم‌، یک وقت می‌‌گویید علم اجمالی هم باشد کافی است، یعنی علم اجمالی هم باشد مقتضی اعاده نماز ظهر است. علم اجمالی به این‌که یا نماز ظهرم باطل است که به جهت اولی خواندم یا نماز عصرم به جهت ثانیه؛ قطع نظر از آن علم تفصیلی. حتی اگر ترتیب معتبر نبود مثل ضیق وقت، فرض کنید ضیق وقت است، چهار رکعت مانده به غروب آفتاب می‌‌خواهم نماز عصر را بخوانم به این جهت ثانیه، خب دیگه ترتیب که معتبر نیست، ترتیب تمام شد، ترتیب معتبر نیست دیگه، ترتیب در وقت مشترک است، در وقت مختص عصر که ترتیب نیست. مستشکل گفت اینجا علم اجمالی داریم که یا نماز ظهر‌مان باطل است باید اعاده کنیم یا نماز عصر، خب جواب این است که آقای خوئی می‌‌فرماید چرا فقط می‌‌گویید نماز ظهر را باید اعاده کنیم؟ خب نماز عصر هم طرف علم اجمالی است، ‌او را هم باید اعاده کنیم یا قضاء کنیم اگر در تنگی وقت است.

بعد آقای خوئی فرموده مهم این است که این احتمال سوم هم ضعیف است. چون احتمال سوم خلاف ظاهر یجزی التحری است. ظاهر یجزی التحری اکتفاء به تحری است از باب اماره شرعیه نه از باب موافقت ظنیه.

این محصل فرمایش مرحوم آقای خوئی است در مقام.

ان‌شاءالله فردا ببینیم اشکال دارد یا ندارد و الحمد لله رب العالمین.